

آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور



نقل از شماره ۱۵۲۷۶-۱۳۷۷/۱/۲۹-
روزنامه رسمی
شماره ۱۹۵۳-۵
پرونده وحدت رویه ردیف: ۲۹/۷۶ هیأت
عمومی
ریاست محترم هیئت عمومی دیوان عالی
کشور
با عرض سلام و تحیت:

احتراماً به استحضار می‌رساند آقای قائم
مقام رئیس کل دادگستری استان تهران طی
نامه شماره ۱۹/۱۹۲۷۹-۱۹/۷۶/۱۸ با ارسال
تصویر دادنامه‌های صادره از شعب ششم و
بیستم دادگاه تجدیدنظر استان تهران اعلام
داشته است راجع به استنباط از بند ۲ ماده ۱۸
قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در
مورد ضرورت تذکر به قاضی صادر کننده رأی
و تنبّه او آراء معارض صادر شده که اقتضا دارد
در اجرای ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین
دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ موضوع در
هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و
رسیدگی شود. پرونده‌های مربوط و آراء
شعب مزبور اجمالاً به این شرح است:
۱- به حکایت پرونده کلاسه ۹۲/۲۰/۷۶

شعبه بیستم دادگاه تجدید نظر استان تهران در
تاریخ ۷۵/۶/۱۹ آقای هادی احمدی تبعه
افغانستان بر اثر شکایت آقای
عبدالنصراشرفی به ارائه چک مسافرتی
جعلی مورد تعقیب کیفری واقع و پرونده
اتهامی وی به شعبه سیزدهم دادگاه عمومی
تهران ارجاع گردیده است دادگاه پس از تفهیم
اتهام ارتکاب جعل چک و استفاده از چک
مسافرتی مجعول و ورود و اقامت غیرمجاز
در ایران به متهم نامبرده و استماع مدافعاتش
به موجب دادنامه شماره ۱۰۹۹-۷۵/۹/۴ به
استناد ماده یک از قانون تشدید مجازات
مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری،
مشارالیه را به ارتکاب کلاهبرداری به طریق
استفاده از چک مسافرتی جعلی بانک ملت و
تحصیل جنس و اخذ مابقی وجه چک
بصورت نقد از شاکی و همچنین جعل سه
فقره چکهای دیگر به تحمل شش ماه حبس
تعزیری و رد مبلغ پانصد هزار ریال به شاکی و
پرداخت مبلغ پانصد هزار ریال جزای نقدی
معادل مال مورد کلاهبرداری محکوم نموده
است و در خصوص ورود و اقامت غیرمجاز و
ارتکاب جعل چک مسافرتی بانک ملت به

همان مجازات فوق اکتفا شده و نیز حکم به
طرد متهم پس از اجرای دادنامه صادره اعلام
گردیده است. متهم و شاکی به حکم صادره
اعتراضی نداشته و تسلیم شده‌اند لکن آقای
دادرس اجرای احکام در تاریخ ۷۵/۱۲/۲۷
رای دادگاه را از لحاظ انطباق مورد اتهام با
کلاهبرداری صحیح ندانسته، پرونده را به
دادگاه صادر کننده رای ارسال و ضمن تذکر به
قاضی صادر کننده رای اشعار داشته طبق
تبصره یک ماده یک قانون تشدید مجازات
مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری
دادگاه نمی‌توانسته با وصف وجود کیفیات
مخفیه کمتر از یک سال حبس تعیین نماید و
مطابق ماده ۴۷ قانون مجازات باید برای هر
یک از جرایم متهم مجازات علیحده تعیین
نماید. قاضی صادر کننده رای این تذکر را
نپذیرفته و متنبه نگردیده و با ابقا در عقیده
خود دستور ارسال پرونده را به دادگاه تجدید
نظر استان صادر کرده است. شعبه بیستم
دادگاه تجدید نظر استان تهران به موضوع
رسیدگی و به موجب دادنامه شماره ۱۲۰
مورخ ۱۶/۲/۹۹ اعتراضات آقای دادرس اجرای
احکام را موجه تشخیص و ضمن نقض رای

بدوی متهم را از لحاظ ارتکاب جعل تبرئه نموده لیکن از جهت استفاده از چک مجعول مستنداً به بند ۵ ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی با رعایت ماده ۲۲ همان قانون به تحمل شش ماه حبس و پرداخت پانصد هزار ریال وجه به شاکی و از حیث ورود غیر مجاز نیز به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم نموده است.

۲- به حکایت پرونده کلاسه ۱۱۴۸/۷۴ شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان تهران حسب شکایت آقای اسماعیل مرادی آقای ابراهیم صیادی به اتهام ارتکاب سرقت و آقایان عبدالستار اجاق نجات و محمود شیخی دوحی به معاونت در ارتکاب سرقت مورد تعقیب کیفری قرار گرفته پرونده اتهامی نامبردگان به شعبه ۶۴ دادگاه عمومی تهران ارجاع و پس از رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۷۴/۱۰/۱۱-۷۳۳-۷۴ متهم ردیف اول به پرداخت دو پست هزار ریال و متهمان دیگر هر یک به پرداخت یکصد هزار ریال جزای نقدی با استناد ماده ۲۰۳ قانون تعزیرات بانوجه به رضایت شاکی خصوصی محکوم شده‌اند متهمین به حکم صادره تسلیم گردیده و اعتراضی نداشته‌اند آقای معاون مجتمع قضایی رسالت پرونده را در تاریخ ۷۴/۱۰/۱۱ به دادگاه صادر کننده حکم عودت داده است و اعلام نموده چون رعایت تشریفات قانون آئین دادرسی کیفری نشده به نظر می‌رسد که حکم صادره مبتنی بر اشتباه است و تقاضا کرده است تا متهمین را با قرار تامین مقتضی آزاد یابازداشت نموده سپس در اجرای بند ۲ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به لحاظ آن که دادگاه بدون استماع آخرین دفاع متهمین حکم صادر کرده است پرونده را به مرجع نقض ارسال دارند. دادرسی دادگاه پس از وصول پرونده و انجام موارد خواسته شده ضمن اظهار نظر بر این که (عیب و ایرادی از ناحیه این شعبه ملحوظ نیست) پرونده را به دادگاههای تجدید نظر استان تهران ارسال داشته پرونده به شعبه ششم دادگاه تجدید نظر

استان تهران ارجاع و به موجب دادنامه ۷۴/۱۱/۷-۱۲۸۸ چنین رای داده است: (درخصوص تجدید نظر خواهی معاون مجتمع قضایی رسالت نسبت به دادنامه شماره ۷۴/۱۰/۱۱-۷۳۳-۷۴ صادره از شعبه ۶۴ دادگاه عمومی تهران که در اجرای مقررات بند ۲ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به این شعبه ارسال گردیده. دادگاه بانوجه به اینکه بند ۲ ماده مارالذکر ناظر به مواردی است که قاضی صادرکننده رای متنبه گردد و نظر به این که در مانحن فیه آقای قاضی صادر کننده رای اعتقادی به اشتباه خود ندارد و با التفات به این که در اجرای مقررات بند ۲ ماده ۲۶ قانون مذکور نیز حق تجدید نظر خواهی برای روسا و معاونین مجتمعهای قضایی پیش‌بینی نشده علی‌هذا اصولاً پرونده قابل طرح در دادگاه تجدید نظر نیست و لذا مقرر می‌دارد از آمار کسر گردد و عیناً به مرجع مربوطه اعاده گردد.)

نظریه: بنابر آنچه ذکر شد آراء شعب ششم و بیستم دادگاه تجدید نظر استان تهران از آن جهت با یکدیگر متعارض و متهاافت می‌باشند که شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان تهران اعمال بند ۲ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب را ناظر به موزدی می‌داند که قاضی صادر کننده رای با تذکر قاضی دیگر بر اشتباه رای صادره آنرا بپذیرد و متنبه گردد در صورتی که شعبه بیستم دادگاه تجدید نظر استان تهران عدم اعلام تنبه قاضی صادر کننده رای را مانع رسیدگی مرجع نقض ندانسته و بر خلاف نظر شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان تهران به موضوع اشتباه اعلام شده از طرف دادرسی اجرای احکام رسیدگی نموده و حکم صادر کرده است. بنا به مراتب مذکوره بنا تعارض آراء مزبور با یکدیگر رسیدگی هیئت عمومی دیوان عالی کشور را برای ایجاد وحدت رویه ایجاد می‌نماید و تقاضا دارد دستور فرمائید موضوع در هیئت عمومی مطرح گردد. معاون اول دادستان کل کشور- حسن فاخری

به تاریخ روز سه شنبه: ۱۳۷۶/۱۱/۲۱ جلسه وحدت رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان روسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «نظر به این که از بند ۲ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب استنباط می‌شود چنانچه قاضی دیگری غیر از قاضی صادر کننده حکم، رای صادره را واجد اشکال تشخیص دهد با اعلام وقوع اشتباه در حکم از ناحیه وی دیگر نیازی به تذکر به قاضی صادر کننده حکم و اعلام و اظهار تنبه از طرف او نیست و مرجع تجدید نظر تکلیف دارد پس از اعلام وقوع اشتباه به موضوع رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید، در پرونده‌های مطروحه گرچه وقوع اشتباه به قاضی صادر کننده رای تذکر داده شده لکن شعبه بیستم دادگاه تجدید نظر استان تهران بدون توجه به اعلام عدم تنبه قاضی صادرکننده رای مبادرت به رسیدگی و انشای رای نموده که این امر حکایت از عدم ضرورت تذکر به قاضی صادر کننده رای دارد بنابراین رای شعبه بیستم دادگاه تجدید نظر استان تهران صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص و معتقد به تأیید آن می‌باشم.» مشاوره نموده و اکثریت قریب به اتفاق بدین شرح رای داده‌اند:

رای شماره: ۶۲۲-۱۳۷۶/۱۱/۲۱ رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور مقررات ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ تضمینی است در جهت تامین صحت آراء محاکم و

عاری بودن احکام از اشتباه و مستفاد از بند ۲ ماده ۱۸ قانون مزبور به قرینه جمله شرطیه مندرج در قسمت اخیر آن این است که اشتباه در رای صادره آن چنان واضح و بین باشد که چنانچه به قاضی صادرکننده رای تذکر داده شده موجب تنبه وی گردد لیکن حتمیت لزوم تذکر به قاضی صادرکننده رای و حصول تنبه او از آن استنباط نمی شود همین قدر که قاضی دیگری که شأناً و قانوناً در مقامی است که می تواند بر اجرای صحیح قوانین نظارت نماید پی به اشتباه رای صادره ببرد و مطلب را کتباً و مستلاً عنوان کند مرجع تجدید نظر را راساً به اعمال مقررات تبصره ذیل ماده ۱۸ مکلف می نماید و با این کیفیت رای شماره ۱۲۰-۷۶/۲/۹-۷۶ شعبه بیستم دادگاه تجدید نظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و منطبق بامواظین قانونی تشخیص می گردد. این رای طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۱۹۶۸
۱۳۷۷/۴/۲۵
پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۰/۶۷
هیئت عمومی دیوان عالی کشور
ریاست محترم دیوان عالی کشور
با عرض سلام و تحیت:

احتراماً، به استحضار می رساند: در تاریخ ۷۶/۷/۳۰ دادستان نظامی استان مرکزی با ارسال دو فقره از پرونده های دادگاه نظامی یک استان مذکور به دادسرای دیوان عالی کشور اعلام داشته: در موضوعات مشابه از سوی دادگاه نظامی یک آراء متعافت صادر گردیده و تقاضای طرح موضوع را در هیئت عمومی دیوان عالی کشور نموده است. اینک جریان پرونده ها معروض می گردد:

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۱۳۵۱-۷۵ سرباز وظیفه منصور شفیعی فرزند تقی به اتهامات جعل در سند رسمی (برگه مرخصی) و استفاده از سند مجعول مذکور تحت تعقیب قرار گرفته و از طرف دادسرای

نظامی استان مرکزی در مورد وی کیفرخواست صادر گردیده است. شعبه دوم دادگاه نظامی ۲ به شرح دادنامه شماره ۱۳۷۵ مورخ ۷۵/۱۲/۴ با احراز اتهامات انتسابی مستنداً به مواد ۷۹ و ۸۱ و ۸۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و رعایت ماده ۳ همان قانون و با استدلال به این که جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده کرده و طبق ماده ۸۳ قانون مرقوم برای دو جرم مذکور یک مجازات اشد در نظر گرفته شده نامبرده را به پرداخت دوست هزار ریال جزای نقدی محکوم کرده است از سوی دادسرای نظامی مستنداً به بند ج ماده ۱۱ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها به رای صادره فوق اعتراض و اعلام شده، جرایم جعل و استفاده از سند مجعول دو جرم جداگانه و مستقل از یکدیگر بوده و قانونگذار برای هر کدام مجازات جداگانه در نظر گرفته و رای وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ مورخ ۳۶/۳/۲۰ نیز موید این مطلب است و منظور از ماده ۸۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح تعیین یک مجازات برای دو جرم مذکور هر چند جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده کرده باشد نبوده بلکه برای هر یک از جرایم جعل و استفاده از سند مجعول باید مجازات اشد آن تعیین می شد پرونده جهت رسیدگی به تقاضای تجدید نظر به دادگاه نظامی یک استان ارسال و شعبه اول این دادگاه طبق دادنامه شماره ۲۰ مورخ ۷۶/۳/۲۵ چنین رای داده: با عنایت به محتویات پرونده رای صادره را موجه ومدلل و قانونی دانسته و عیناً تائید می نماید این رای قطعی است.

۲- طبق محتویات پرونده کلاسه ۴۹-۷۶ سرباز وظیفه مجید روستائی فرزند عباس به اتهامات جعل اسناد رسمی (برگه مرخصی و معرفی نامه) و استفاده از سند مجعول تحت تعقیب قرار گرفته و از طرف دادسرای نظامی استان مرکزی در مورد وی کیفرخواست صادر گردیده است. شعبه دوم دادگاه نظامی ۲ به موجب دادنامه شماره ۱۸۴ مورخ ۷۶/۲/۲۵

با احراز اتهامات انتسابی مستنداً به ماده ۷۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و با رعایت ماده ۸۳ همان قانون که جعل و استفاده از سند مجعول در صورتی که جاعل شخصاً استفاده از سند مجعول نماید دارای یک مجازات کرده است. رای صادره به شرح پرونده قبل مورد اعتراض دادسرای نظامی قرار گرفته و پرونده به مرجع تجدید نظر ارسال گردیده شعبه اول دادگاه نظامی یک استان مرکزی پس از رسیدگی به تقاضای تجدید نظر به شرح دادنامه شماره ۶ مورخ ۷۶/۲/۲۸ و باتوجه به این موضوع که استفاده از سند مجعول اگر چه مکمل جرم جعل است ولی بالاستقلال و مجزا از جعل واجد عناصر متشکله خاص و در قوانین جزایی تابع مقررات مخصوص است و در صورتی که جاعل استفاده کننده هم یک نفر باشد باز هم دارای دو مجازات مستقل می باشد. لذا دادنامه تجدیدنظر خواسته را از این جهت که جعل و استفاده از سند مجعول را یک جرم تلقی و برای آن مجازات واحد تعیین نموده منطبق با موازین قانونی ندانسته و ضمن نقض دادنامه تجدید نظر خواسته سهم مذکور را مستنداً به مواد ۷۹ و ۸۱ و ۸۳ و رعایت ماده ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی در رابطه با جعل به دو ماه اضافه خدمت و در رابطه با استفاده از سند مجعول به پنجاه ضربه شلاق تعزیری محکوم نموده است. اینک باتوجه به مراتب فوق به شرح زیر اظهار نظر می نماید:

نظریه: همان طور که ملاحظه می فرمائید در استنباط از ماده ۸۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و در موردی که جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده کرده باشد از سوی دادگاه نظامی یک استان مرکزی آراء متعافت صادر گردیده است بدین توضیح که در رای شماره ۶ مورخ ۷۶/۲/۲۸ شعبه اول به امضاء رئیس دادگاه جرایم جعل و استفاده از سند مجعول گر چه از طرف جاعل انجام شده باشد دو جرم جداگانه تلقی و برای هر کدام یک

قانون

به زبان ساده



آیا می دانید که :

• هرکس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرم می شود مجازات عقوبت شد منصوص براین که خطر را عمداً ایجاد کرده و عمل ارتکابی نیز باخطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی

• جناحیه هلیکوپت قبل از شروع درمان یا اتصال جراحی از مریض یا ولی او برداشت حاصل نموده باشد، ضمان خسارت جانی یا مالی یا تشویش عقول نباشد و در موارد فوری که نیاز به گرفتن ممکن باشد طبق ضمان نمی باشد. ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی

• سارق مسلح و قطع طریق شرکاء یا اسلحه امنیت مردم یا جانده را بزرگ بزند و زخمی و مصیبت ایجاد کند مجازات نیست. ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی

• هرگاه طبیبی درجه حائض و متعصبین باشد در صحت عقابین گناه است خصوصاً انجام می دهد یا دستور آن را صادر می کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث نفی جان یا تشویش عقول یا خسارت مالی شود ضمان نیست. ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی

• هرگاه کتفه کتفه در اثر زمین زدن یا سقوط مقدار لازم موجب وطلوبت باشد ضمانت نمودن ضمان نیست درجه ماهر بوده باشد. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی

مجازات جرایم نیروهای مسلح نسبت به هر دو مورد اتهام در قانون به طور جداگانه مجازات تعیین شده و این که در ماده ۸۳ قانون ذکر شده در صورتی که جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده نماید به اشد مجازات مندرج در مواد اشاره شده محکوم می شود. مراد این نیست که برای جرم جعل و استفاده از سند مجعول یک مجازات تعیین گردد بلکه منظور قانونگذار این است که در هر یک از موارد ذکر شده، اشد مجازات در نظر گرفته شود. بنابراین رای شعبه اول دادگاه نظامی یک استان مرکزی که با نقض رای شعبه ۲ دادگاه نظامی ۲ استان مرکزی برای جعل و استفاده از سند مجعول مجازاتهای جداگانه تعیین نموده، موجه بوده معتقد به تائید آن می باشم.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رای داده اند:

رای شماره ۶۲۴ - ۱۳۷۷/۱/۱۸

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به این که به موجب مواد ۷۵ تا ۸۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای جعل و استفاده از سند مجعول مجازات جداگانه تعیین شده و به علاوه در ماده ۸۳ قانون مزبور نیز برای استفاده کننده از سند مجعول در مواردی که جاعل خود استفاده کننده باشد مجازات مقرر گردیده است بنابراین بر طبق مواه مزبور استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است بنا به مراتب داندنامه شماره ۷۶/۲/۲۸۶ که به موجب آن با رعایت تعدد و ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی برای جعل و استفاده از سند مجعول کیفرهای جداگانه تعیین شده صحیح و منطبق بدموازین قانونی است این رای که بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری صادر گردیده در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد.

مجازات تعیین و رای دادگاه بدوی که در این مورد یک مجازات در نظر گرفته نقض شده در حالی که در رای شماره ۲۰ مورخ ۷۶/۳/۲۵ شعبه اول به امضاء قاضی دیگر برعکس در این مورد برای جاعل که شخصاً از سند مجعول استفاده کرده یک مجازات قائل و رای دادگاه بدوی تائید گردیده است. علی هذا نظر به ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری که در صورت اتخاذ رویه های مختلف از طرف دادگاهها راجع به استنباط از قوانین تاکیدی به طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور دارد و با توجه به اینکه منظور قانونگذار از قید عبارت دادگاهها قطعاً نظرات مختلف آقایان قضات دادگاهها می باشد و شعبه دادگاه خصوصیتی در این مورد ندارد و نظر به این که در قضیه مورد بحث از سوی قضات محترم دادگاه نظامی یک استان مرکزی در موضوع واحد آراء متفاوتی صادر گردیده است تقاضای طرح موضوع را در هیئت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد دارد.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

به تاریخ روز سه شنبه : ۱۳۷۷/۱/۱۸ جلسه وحدت رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان روسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر : « باتوجه به مندرجات پرونده های مطروحه، اتهامات متهمان در هر دو پرونده جعل سند رسمی (برگه مرخصی) و استفاده از سند مجعول عنوان شده است برابر مواد ۷۹ و ۸۱ قانون